Islamic Maaref University

Scientific Journal
The History of Islamic Culture And Civilization

Vol. 16, Summer 2025, No. 59

An Analysis of the Historical Mistakes of the Movie Star of the East (Setareh Shargh)

Mehdi Bayat Mokhtari [1] \ Mostafa Lal Shatri [2]

1. Associate Professor, Department of Archaeology and History, Faculty of Literature and Humanities, Neyshabur State University, Iran.
bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Archaeology and History, Faculty of Literature and Humanities, Neyshabur State University, Iran (Corresponding Author).
mostafa.lalshateri@neyshabur.ac.ir

Abstract Info

Article Type:
Research Article

Received:
2024.10.24
Accepted:
2025.04.05

Abstract

Fadl ibn Shazan Neyshaburi was a companion of Imams Reza, Jawad, Hadi, and Askari, and wrote numerous books on jurisprudence and theology. In this regard, the television film Setareh Shargh was made in connection with a part of his life and was first broadcast in 2015 and then rebroadcast many times on various networks (the last time in 2013 on Channel 3 and Khorasan Razavi). The aim of the present study, relying on the descriptive-analytical method, is to answer the question of in what cases has the content structure of the aforementioned film slipped and changed compared to historical narratives? The findings indicate that the film's motive is somewhat devoid of research and hasty action, and as a result, it is full of slips and insinuations, such as its reflection of Fadl's origin and race, his family, including his wife, daughter, and son-in-law, his accuser, the reason for the court's establishment and its timing, the time of writing his books, and their place. Also, the final structure of the script, presented in visual discourse, depicts the Shiites and elders of the Imamate school in Nishapur, deceived and empty six decades after the arrival of Imam Reza.

Keywords
Fadl ibn Shazan, Star of the East(Setareh Shargh) film, historical slips, hadith-historical sources.

Cite this article:
Bayat Mokhtari, Mehdi & Mostafa Lal Shatri (2025). An Analysis of the Historical Mistakes of the Movie Star of the East (Setareh Shargh). *The History of Islamic Culture And Civilization*. 16 (2). 115-136. DOI: ??

DOI:
??

Publisher:
Islamic Maaref University, Qom, Iran.

مجلة علمية
تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية
جامعة المعارف الاسلامية
السنة ١٦ / الصيف عام ١٤٤٧ / العدد ٥٩

دراسة الزلات التاريخية فى فيلم نجم الشرق

مهدي بيات مختاري [١] / مصطفي لعل شاطري [٢]

١. استاذ مرادف، فرع علم الاثار و التاريخ، كلية الاداب و العلوم الانسانية، جامعه نيشابور الحكومية، ايران.
bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir

٢. استاذ مساعد، فرع علم الاثار و التاريخ ،كليه الاداب و العلوم الانسانية، جامعة نيشابور الحكومية، ايران (الكاتب المسؤول).
mostafa.lalshateri@neyshabur.ac.ir

معلومات المادة	ملخّص البحث
نوع المقال: بحث **تاريخ الاستلام:** ١٤٤٦/٠٤/٢٠ **تاريخ القبول:** ١٤٤٦/١٠/٠٦	كان فضل بن شاذان النيشابوري، من أصحاب الأئمة الرضا، الجواد، الهادي، و العسكري عليهم السلام و صنف الكثير من الكتب في الفقه و الكلام. في هذا السياق، تم اعداد فيلما تليفزيونيا باسم نجم الشرق يتعلق بشطر من حياته و تم عرضه لاول مرة في عام ١٣٩٤ شمسيه (٢٠١٥م) و من ثم اعيد عرضه عدة مرات (آخر مرة كان في عام ١٤٠٢ شمسيه (٢٠٢٣م) من الشبكه الثالثة و خراسان الرضوي). الهدف من البحث الحاضر بالاعتماد علي الاسلوب التوصيفي ـ التحليلي الاجابة علي هذا السؤال و هو في هيكليه فحوا الفيلم المذكور ما هي الحالات التي تعرضت للزلات التاريخية و التغيير بالتطابق مع الروايات التاريخية؟ النتائج تشير الي ان دافع الفيلم يفتقر الي حد ما الي البحث و هو عمل متسرع و بالنتيجة رافقة الزلات و والغموض و الايهام، منها ردود الفعل ازاء أصل و نسب فضل، أسرته سواء زوجته، ابنته و صهره، القاضي الذي حاكمه و سبب أقامة المحكمة و زمانه زمن تصنيف كتبه و مكانتها، قد ارتكب فيها اخطاء جسيمة. كما ان النص النهائي لكتابة الفيلم، و في المقولة البصرية المعروضة، تجسد الشيعة و كبار مدرسه الامامة في نيشابور سته عقود بعد ورود الامام الرضا عليه السلام، مخدوعين و سذج.
الألفاظ المفتاحية	فضل بن شاذان، فيلم نجم الشرق، الزلات التاريخية، المصادر الحديثية ـ التاريخية.
الاقتباس:	بيات مختاري، مهدي و مصطفي لعل شاطري (١٤٤٧). دراسة الزلات التاريخية في فيلم نجم الشرق. *مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الأسلامية*. ١٦ (٢). ١٣٦ ـ ١١٥. DOI: ??
رمز DOI:	??
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.

نشریه علمی
تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
سال ۱۶، تابستان ۱۴۰۴، شماره ۵۹

واکاوی لغزش‌های تاریخیِ فیلمِ ستاره شرق

مهدی بیات مختاری [۱] / مصطفی لعل شاطری [۲]

۱. دانشیار، گروه باستان شناسی و تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه دولتی نیشابور، ایران.
bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir

۲. استادیار، گروه باستان‌شناسی و تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه دولتی نیشابور، ایران (نویسنده مسئول).
mostafa.lalshateri@neyshabur.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۱۳۶ ـ ۱۱۵) **تاریخ دریافت**: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰ **تاریخ پذیرش**: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶	فضل بن شاذان نیشابوری، از اصحاب امامان رضا×، جواد×، هادی× و عسکری× بود و کتب فراوانی در فقه و کلام به نگارش درآورد. در همین راستا، فیلم تلویزیونی ستاره شرق در ارتباط با بخشی از زندگانی او ساخته شده و نخستین بار در سال ۱۳۹۴ ش پخش و سپس از شبکه‌های گوناگون بارها بازپخش شد (واپسین بار در ۱۴۰۲ ش از شبکه سه و خراسان رضوی). هدف از پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی ـ تحلیلی پاسخ به این پرسش است که ساختار محتوایی فیلم مذکور در چه مواردی در قیاس با روایات تاریخی دچار لغزش و دگرگونی شده است؟ یافته‌ها حاکی از آن است انگیخته فیلم تا حدودی بی‌بهره از پژوهش و عملی شتاب‌زده و در نتیجه توأم با لغزش‌ها و ایهاماتی است، چنان‌که در بازتاب اصالت و نژاد فضل، خانواده او اعم از همسر، دختر و دامادش، محاکمه کننده او و چرایی برپایی دادگاه و برهه آن، زمان نگارش کتاب‌هایش و جایگاه آنها، سخت به خطا رفته است. همچنین، ساختار نهایی فیلمنامه، در گفتمان بصری ارائه داده شده، شیعیان و بزرگان مکتب امامت در نیشابور را شش دهه پس از ورود امام رضا×، فریب خورده و درون تهی ترسیم می‌نماید.
واژگان کلیدی	فضل بن شاذان، فیلم ستاره شرق، لغزش‌های تاریخی، منابع حدیثی ـ تاریخی.
استناد:	بیات مختاری، مهدی و مصطفی لعل شاطری (۱۴۰۴). واکاوی لغزش‌های تاریخیِ فیلمِ ستاره شرق. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. ۱۶ (۲). ۱۳۶ ـ ۱۱۵. DOI: ??
کد DOI:	??
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

طرح مسئله

سینما پس از ابداع، به سرعت در میان جوامع بشری انتشار یافت، به‌ویژه در عصر کنونی که لذت‌جویی از فرهنگ تصویری بر بهره‌مندی چیرگی یافته است. فیلم‌های سینمایی مانند بسیاری از ساخته‌های بشری می‌توانند برای مخاطبان بیانگر حقیقت یا تحریف‌ساز باشند، زیرا به مثابه ابزاری در دست انسان هستند. در همین راستا، فیلم تلویزیونی «ستاره شرق»، در ارتباط با زندگی فضل بن شاذان از یاران امام رضا علیه‌السلام،[1] در حدود یک دهه گذشته تولید و بارها به مناسبت‌های مختلف مانند ورود امام رضا علیه‌السلام به نیشابور، شهادت امامان جواد علیه‌السلام، هادی علیه‌السلام و عسکری علیه‌السلام از شبکه‌های متعدد سراسری و استانی، بازپخش شده است. ستاره شرق از تولیدات ۱۳۹۳ ش و به‌عنوان اولین فیلم تاریخی محسوب می‌شود که در معاونت سیمای استان‌ها ساخته شد. کارگردان آن علی غفاری، تهیه کننده آن علی لدنی و نویسندگی آن را امیر دژاکام (بر اساس فیلمنامه «رویای سرو» نوشته امیر طیبی) برعهده داشته و بازیگرانی همچون محمود پاک نیت، انوشیروان ارجمند، افشین نخعی، فخرالدین صدیق شریف، کاوه خداشناس، گیتی قاسمی و آزاده ریاضی به ایفای نقش پرداخته‌اند. شایان ذکر است که در تیتراژ آغازین و پایانی، هیچگونه اشاره‌ای به مشاور علمی و یا منابع دست اول و پژوهشی مورد استفاده، نشده است! این فیلمِ ۹۰ دقیقه‌ای، طی ۳۵ روز و به طریق HD پس از پشت سر گذاشتن مراحل تصویربرداری در شهرک سینمایی غزالی، شهرک دفاع مقدس و لوکیشن‌هایی در استان خراسان، نخستین بار ۴ فروردین ۱۳۹۴ ش از شبکه سراسری «شما» و طی چند روز بعد از شبکه سراسری «دو سیما» و شبکه استانی «خراسان رضوی» به نمایش در آمد (URL 1 - 5).

داستان فیلم در قرن سوم هجری و در زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام آغاز می‌شود. خلفای عباسی به دلیل نفوذ علمای شیعه و گسترش آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام در بین مردم، به شدت نگران هستند. فضل ابن شاذان، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین علمای شیعه، در نیشابور مشغول تألیف کتابی درباره احادیث مهدویت است. او سعی دارد تا معارف دینی را حفظ کرده و به نسل‌های آینده منتقل کند. خلیفه عباسی که از نفوذ فضل نگران است، فردی به نام جابر را مأمور می‌کند تا به نیشابور رفته و فضل را از بین ببرد. جابر که از نزدیکان حکومت است، با استفاده از حیله‌گری و شایعه‌پراکنی وارد نیشابور می‌شود. او

---

۱. نقل مستقیم فضل بن شاذان از امام رضا علیه‌السلام انحصاری به حدیث گسترده «علل الشرایع و الأحکام» و همین گونه «نامه آن حضرت به مأمون» که هرکدام کتابی هستند و بی‌استثناء فقه‌شناسان آن دو را منبع و مدرک استنباط‌هایشان قرار داده‌اند، منحصر نمی‌شود. این عالم، احادیث بسیاری را در زمینه توحید، انبیاء، امام حسین علیه‌السلام و غیره از آن حضرت گزارش نموده است (صدوق، ***عیون اخبار الرضا*** علیه‌السلام، ج ۱، ص ۱۹، ۱۰۹، ۱۸۷؛ ج ۲، ص ۲۶ ـ ۲۵؛ همو، ***الخصال***، ص ۵۸؛ همو، ***التوحید***، ص ۱۳۷، ۲۶۹؛ همو، ***من لا یحضره الفقیه***، ج ۴، ص ۴۱۹). آنچه مسلم است، فضل بن شاذان از صحابیان و شاگردان امام رضا علیه‌السلام، جواد علیه‌السلام، هادی علیه‌السلام و عسکری علیه‌السلام بوده است (عطاردی، ***راویان امام رضا*** علیه‌السلام ***در مسند الرضا*** علیه‌السلام؛ نجف، ***الجامع لروات و اصحاب الامام الرضا*** علیه‌السلام؛ میرلوحی موسوی، ***کفایه المهتدی***).

شایعه‌ای پخش می‌کند مبنی بر اینکه امام حسن عسکری‌علیه‌السلام فضل را نفرین و او را مرتد خوانده است. این شایعه باعث ایجاد تردید میان مردم نسبت به فضل می‌شود و برخی از پیروان او را نیز دچار سردرگمی می‌کند. با گسترش این شایعات و افزایش تهدیدها، فضل تصمیم می‌گیرد برای حفظ جان خود و ادامه فعالیت‌های علمی‌اش، به همراه چند تن از شاگردانش از نیشابور خارج شود. در طی فیلم، فضل با چالش‌های زیادی مواجه می‌شود. جابر که نماینده ظلم و فساد است، با استفاده از نفوذ خود در حکومت، افراد محلی را علیه فضل تحریک می‌کند، اما فضل با ایمان قوی و حمایت شاگردانش، همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. فیلم بر محوریت تقابل میان حق و باطل تأکید دارد. فضل نماینده علم، ایمان و مقاومت است که با وجود تمام خطرات، بر اصول خود پایبند می‌ماند و برای حفظ معارف اسلامی مبارزه می‌کند. این تقابل میان جابر و فضل نشان‌دهنده دو دنیای متفاوت است؛ دنیای ظلمت و فساد در برابر دنیای نور و علم. این فیلم نشان‌دهنده تلاش‌های بی‌وقفه علمای شیعه در بستر تاریخ، برای حفظ آموزه‌های اهل‌بیت‌علیهم‌السلام در برابر فشارهای حکومت‌های ظالم است.

در مورد نحوه پرداختن به وقایع تاریخی در آثار بصری همچون فیلم به‌طورکلی شاید دو نظر قابل طرح باشد. دسته‌ای بر این اعتقاد که تاریخ باید بی‌کم‌وکاست و دقیق بازنمایی شود و برخی بر این باورند که خود تاریخ نتوانسته تصویر دقیق و کاملی از یک رخداد را ارائه دهد. بااین‌حال، باید توجه داشت که تاریخ باید در خدمت روند کلی داستان باشد و در مواردی که متون تاریخی جزئیات را بیان داشته‌اند، ضرورتاً مورد توجه قرار گیرد. شاید بتوان دیدگاه دوم مبنی بر نگاه کلی به روند وقایع تاریخی را در وقایع فاقد شواهدی مبنی بر جزئیات قابل قبول داست، اما در مواردی همچون پژوهش حاضر، صادق نیست و به مثابه خطا و لغزش علمی محسوب می‌شود، زیرا منابع متعدد و در دسترس برای درک جزئیات و بازتاب صحیح آن وجود دارد. هرچند در ذات، تولید آثار تصویری در حوزه تاریخ اسلام همچون ستاره شرق ارزشمند است، اما کاستی‌های محتوایی آن را نمی‌توان از نظر دور داشت، چنانچه این اثر تا حدودی فاقد زیربنای متقن و مستحکم پژوهشی و عملی، شتاب‌زده و درنتیجه آمیخته به لغزش‌ها و نااستواری است، زیرا در گزارش از زندگی فضل بن شاذان در عرصه‌های گوناگون، دچار خطا شده است. از رهگذر اینکه نقد و ارزیابی، مقدمه تکامل به شمار می‌آید، برخی از لغز ش‌های فیلم تلویزیونی ستاره شرق در پژوهش حاضر مورد واکاوی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

هرچند در دهه‌های اخیر، نقد محتوایی فیلم، مبدل به موضوعی موردتوجه پژوهشگرانِ حوزه‌های گوناگون شده است، اما در زمینه آسیب‌شناسی موردیِ فیلم‌های برخوردار از بن‌مایه شخصیت‌های تاریخِ اسلام، پژوهشی مستقل صورت نپذیرفته است و صرفاً فرخی (۱۳۷۵) در مقاله «تاریخ اسلام و مضامین اسلامی

در فیلم‌های کودکان و نوجوانان»، عاقبتی خطبه سرا (۱۳۹۳) طی مصاحبه‌ای با عنوان «تاریخ اسلام در قاب سینما، پیشنهاد سوژه‌های تاریخی به سینما، گفتاری از محمدحسین رجبی»، هاشمی (۱۳۹۶) در مقاله «صورت‌بندی سریال معمای شاه در تعامل سه‌گانه هستی‌شناسی، تاریخ، رسانه»، جهانگردی (۱۳۹۶) در مقاله «نقش فیلم در آموزش تاریخ: چالش‌ها و راهکارها»، حسین خانی (۱۴۰۱) در پایان نامه «ظرفیت‌ها و آسیب‌شناسی فرهنگی ـ تمدنی سریال‌های تاریخی رسانه ملی (با محوریت سریال‌های تاریخی علماء شیعه) » به‌صورت گذرا و بسیار مختصر، صرفاً به اهمیت بهره‌مندی از مفاهیم و مضامین اسلامی در تولید فیلم، اشاره داشته‌اند. ازاین‌رو، پژوهش حاضر از دو منظر عمومی و اختصاصی، فاقد پیشینه پژوهش مرتبط می‌باشد که گواهی بر تازگی و نوآوری موضوع مطروحه است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر مبنی بر مطالعه‌ای کیفی و تحلیل محتوای اثری بصری، با تکیه بر روش توصیفی ـ تحلیلی با رویکردی بینارشته‌ای (تاریخ ـ هنر) به واکاوی و صحت‌سنجی بازتابِ گفتمانِ مکتوب (گزارش‌های تاریخی ـ حدیثی) در گفتمان بصریِ سکانس‌های متفاوت فیلم تلویزیونی ستاره شرق پرداخته است.

بازتابِ گفتمانِ مکتوب در گفتمانِ بصری

بهره‌گیری از واژه گفتمان از اواسط قرن نوزدهم میلادی در گستره علوم مختلف، به‌ویژه در زیرشاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی ظهور یافت و در اندک‌مدتی به‌صورت فزاینده در عرصه‌های زبان‌شناسی، نقد ادبی و روانکاوی و سپس نظریه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد استفاده قرار گرفت. هرچند گفتمان دارای تعریفی مختص به حوزه زبان‌شناسانه بود، اما در سیر تاریخی دارای معانی غیرتخصصی دیگری همچون مکالمه یا گفتگو که بیانگر نوعی هدف آموزشی و تعلیمی بود را در خود ایجاد کرد و امروزه مفهوم گفتمان مبدل به یکی از مفاهیم کلیدی در عرصه‌های مختلف فرهنگی ـ هنری گردیده است. گفتمانِ مکتوب را می‌توان استفاده از زبان در قالب نوشتار برای پدیدآوردن معنا و مفهوم دانست. مبنی بر نگرشِ تاریخی در زمینه بررسی هر واقعه، نیاز به مجموعه‌ای سامانمند از گزاره‌های صحیح است تا به‌واسطه آن بتوان به واقعیت دست یافت. در وقایع مرتبط با تاریخ اسلام، گزاره‌های موجود از منابع تاریخی و روایی (حدیثی) قابل استخراج و استنباط است که بر اساس آن گفتمانی مکتوب شکل می‌گیرد.[1] دیگر گونه از گفتمان در حوزه بصری بروز یافته است که می‌توان آن را فرایندی برشمرد که با

---

۱. لعل شاطری، «واکاوی تبدیلِ گفتمانِ مکتوبِ غزوه خیبر به گفتمان بصری در کتاب طوفان البکاء»، ***نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*** »، ش ۲۹، ص ۷۸.

استفاده از عنصر نمایش، بر ذهنیت مخاطب اثر می‌گذارد. این‌گونه از گفتمان به استفاده از عناصر بصری برای انتقال معنا و ایجاد یک دستگاه بینشی اشاره دارد که شامل تصاویر، نمادها و نشانه‌های دیداری است که به طور منسجم سازماندهی شده‌اند تا مفاهیم خاصی را منتقل کنند. گفتمان بصری صرفاً به عنصر دیداری توجه ندارد، بلکه آنها را در بستر سایر متون مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌دهد. این گفتمان متکی به خوانشی است که دقت زیادی به جزئیات دارد. باید توجه داشت که فرهنگ جامعه امروزی از رسانه‌های تصویری بیش از گذشته تأثیر می‌پذیرد و این تصاویر هستند که جایگزین زبان شده‌اند. تصویر هنری، وسیله تفسیر رخدادهای جهان به شیوه دیداری است.[۱] مبنی بر این جریان، یکی از ریشه‌های اصلی در بهره‌گیری از وقایع تاریخی در حوزه‌های گوناگون هنر همچون فیلم، بهره‌گیری از این گفتمان و ترجمه آن به گفتمان بصری محسوب می‌گردد، چنان‌که در دوره معاصر، این ابزار به محملی برای این جریان مبدل شده است، چنان‌که مدد می‌رساند تا با نمایشِ معانی و کیفیات باطنی به‌صورت تجسمی، پلی میان عالم محسوس و نامحسوس زده و به عبارتی بیان محسوسِ یک امرِ بعضاً نامحسوس باشد. بر این اساس، فیلم ستاره شرق، مبدل‌سازی این دو گفتمان را در دستور کار خود قرار داده است و در این میان با بررسی تطبیقی محتوای فیلم به مثابه گفتمان بصری می‌توان دریافت که تا چه میزان این اثر در حفظ اصالت گفتمان روایی (رخدادهای تاریخی) تأکید و توجه داشته است.

خطا در اصالت و نژاد

فیلم درزمینه اصالت و نژاد و خانواده فضل بن شاذان، اطلاعات نااستوار و مجعولی ارائه داده است. مبنی بر ساختار محتوایی فیلم، جابر بن معاذ، شیخ الشیوخ و دانشمند بزرگ بغداد که برای خاموش‌سازی و رویارویی با فضل بن شاذان در ۲۶۰ ق به نیشابور آمده است، در نخستین دیدار به او می‌گوید: «نیاکان تو همگی عرب می‌باشند، به سوی دودمانت در یمن برگرد در آنجا خدمت کن. آب و هوای سرزمین نیشابور، تو و سایر مهاجران عراق و حجاز را ماندگار ساخته است».[۲] در وابستگی فضل بن شاذان به تبار «أزد» یمن باید گفت که نجاشی (م۴۵۰ ق)، در سده پنجم هجری قمری و دو قرن پس از درگذشت فضل بن شاذان، نخستین فردی است که بر «أزدی» بودن فضل، تصریح نموده است.[۳] آیا نجاشی، راه به صواب پیموده و ابن‌شاذان ریشه در «أزد» یمن دارد؟ شاید بتوان چنین برداشت نمود، اما قراین و شواهد

---

۱. محمودیان، «تحلیل گفتمان بصری پوشش زنان در شبکه نمایش خانگی با تأکید بر هویت ایرانی ـ اسلامی»، ***فصلنامه مطالعات هنر***، ش ۵، ص ۱۴۲ ـ ۱۴۱.

۲. ***ستاره شرق***، دقیقه ۱۴ ـ ۱۳.

۳. نجاشی، ***رجال النجاشی***، ص ۳۰۶.

هشتگانه زیر، آن رویکرد را دستخوش چالش و تردید می‌سازد:

۱. منابع حدیثی و رجالی، شاذان، پدر فضل را به نیشابوری بودن توصیف کرده‌اند و قید أزدی را نیفزوده‌اند. بر این اساس، موضعی برای تردید در تولد و رشد و نمو او و فرزندش در نیشابور وجود ندارد. به علاوه، نام شاذان [شادان] که اساساً نامی ایرانی است، شاهدی دیگر محسوب می‌شود.[۱]

۲. کلینی (م ۳۲۹ ق) که بیش از یک قرن از نجاشی متقدم است، صدها روایت با واسطه استادش، محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری، از فضل بن شاذان روایت نموده که در آنها به نام پدر، جد و نیشابوری بودنش تصریح شده، اما هیچ اشاره‌ای به «ازدی» بودنش نکرده است.[۲] کلینی با شاگردِ فضل رابطه وثیق شاگردی داشته و از طرفی تقریباً هم‌زمان با درگذشت «فضل» در نیشابور، او در «کلین» زاده شده است.

۳. کشّی که معاصر کلینی است و یک سده پیش از نجاشی می‌زیسته و اولین کتاب جامع رجالی شیعه را رقم زده و در آن به ابعاد زندگی فضل بن شاذان به گونه مستوفی پرداخته[۳] و از شاگردان فضل همچون علی بن محمد بن قتیبه، ابوعبدالله شاذانی و محمد بن اسماعیل نیشابوری ده‌ها حدیث تحمل کرده و روایات فضل را به فراوانی گزارش کرده، هیچ روزنه‌ای به ازدی بودنش نگشوده است.[۴]

۴. شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، با اینکه چندین بار به نیشابور مسافرت و برای تحمل اخبار فضل بن شاذان در سال ۳۵۲ ق با خاندانش ملاقات داشته[۵] و برخی از آنان مانند ابومحمد جعفر بن نعیم بن شاذان، استادش به شمار می‌آیند و واسطه انتقال میراث فضل به او هستند و از سویی صدوق در کتب گوناگون خویش، ازجمله ***من لا یحضره الفقیه*** از فضل بن شاذان روایاتی را نقل نموده و به علاوه در ضبط و ثبت روایات و راویان بسیار دقیق و پایبند است، اشاره‌ای به موضوع ازدی بودن فضل نداشته است.[۶]

۵. شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) که معاصر نجاشی است و اساتید مشترک دارند و از چهار کتاب معتبر حدیثی شیعه دو کتاب را سامان داده و صدها روایت ابن‌شاذان را در آن دو و دیگر کتب خویش گزارش نموده

---

۱. کلینی، ***الکافی***، ج ۳، ص ۲۹؛ طوسی، ***الإستبصار***، ج ۱، ص ۶۰، ۶۲ و ۱۴۴؛ طوسی، ***تهذیب الأحکام***، ج ۱، ص ۹۰ و ۳۹۴؛ خویی، ***معجم رجال الحدیث***، ج ۲، ص ۳۶۳.

۲. کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ص ۳۶ و ج ۳، ص ۲۹.

۳. کشی، ***رجال الکشی***، ج ۲، ص ۸۲۲ ـ ۸۱۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۸، ۶۶، ۶۸، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۷۷، ۲۷۵، ۲۸۴، ۲۸۶و ۳۱۳؛ ج ۲، ص ۴۵۸، ۴۶۸، ۴۷۷، ۵۹۵، ۶۲۱، ۶۴۰، ۷۹۵ و ۸۵۵.

۵. صدوق، ***عیون اخبار الرضا***ﷺ، ج ۲، ص ۱۰۶.

۶. صدوق، ***من لا یحضره الفقیه***، ج ۱، ص ۲۹۹، ۳۰۵، ۴۵۴، ۵۲۲ و ۵۴۱؛ ج ۴، ص ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۲۰، ۴۱۹ و ۴۵۷.

و از طرفی دو نگاشته از چهار تصنیف اولیهٔ رجالی شیعه را تألیف و یکی را تهذیب نموده و در هر سه، به ابعاد مختلف حیات علمی فضل پرداخته و از سویی طوس محل تولد و رشد او و با نیشابور زادگاه و آرامگاه فضل نزدیک بوده است، به این موضوع اشاره‌ای ندارد. به‌هرحال، همه اینان که تقدم زمانی بر نجاشی دارند و سرآمدان عصرشان به شمار می‌آیند، نه به صراحت و نه کنایه، نقبی به ازدی بودن او نزده‌اند.[۱]

۶. فضل بن شاذان در زمان حیاتش، در انجمن‌های علمی بغداد و کوفه که ده‌ها فقیه و محدث حضور داشته‌اند و اعراب یمانی و ازجمله «ازدیان» به فزونی در آن قلمرو زندگی می‌کرده‌اند، به فقیه «خراسانی» نام‌بُردار بوده است؛[۲] آن هم در بحبوحه‌ای که اعراب برخوردار از روح عربیّت و آگاه به انساب خویش بودند.

۷. آقابزرگ تهرانی از متخصصان حوزه کتاب و رجال‌شناسی، تصریح می‌کند که فضل به گونه الحاقی و «ولائاً» و نه بالاصاله منسوب به قبیله ازد است.[۳] شیخ موسی زنجانی نیز ازدی بودن نژاد فضل را، رویکردی استوار تلقی نکرده است.[۴]

۸. به دنبال فتوحات اسلامی، ورود اعراب به شهرهای ایران از طریق بصره و کوفه به تدریج انجام گرفت و خراسان از تمامی شهرها، برای اعراب خوشایندتر بود.[۵] پس از سیطره سیاسی ـ نظامی اعراب در خراسان، به‌ویژه «أزدیان»، بسیاری از خاندان‌های ایرانی به‌منظور برخورداری از منافع و حقوق برابر اجتماعی و حفظ منزلت، به عرب‌مآبی پرداختند و با «تعرّب»، هویت و شناسنامه‌ای مجعول برای خود ساختند. مبنی بر تحلیل مؤلفِ مقدمه کتاب ***تاریخ نیشابور*** «در میان حدود دو هزار و هفتصد نام که از دانشمندان نیشابور تا عصر فردوسی آمده است، درصد ناچیزی نام‌های ایرانی است و بقیّه همه عرب‌اند با کنیه‌های عربی و نسبت‌های سُلَمی، قریشی، ثقفی، شیبانی، تمیمی، ذهلی، قشیری و خزاعی، ولی اکثریت اینها عرب واقعی نبوده‌اند، بلکه از رهگذر اینکه تعرّب مُدِ روز بوده، عربی بالولاء شده‌اند. مثل ایرانی‌هایی که در آمریکا اسم ایرانی شان را به جیمز و جونز و هری و امثال آن عوض می‌کنند، اینها هم خودشان را عرب‌مآب کرده‌اند. بعضی حتی اسمشان را که امید و امیدوار بود به عربی ترجمه کردند و شدند رجاء. چگونه می‌توان تصور کرد که حدود دو هزار و هفتصد دانشمند در فاصله ۴۰۰ ـ ۱۰۰ هجری در نیشابور ظهور کنند و همه فقط از قبایل مهاجر عرب باشند. این مهاجران چرا در سرزمین خودشان

---

۱. بیات مختاری، ***دیدار فضل بن شاذان با امام رضا***ﷺ: ***نقدی بر معرفه الحدیث***، ص ۳۲ ـ ۳۰.
۲. کشی، ***رجال الکشی***، ج ۲، ص ۸۳۲.
۳. تهرانی، ***الذریعه الی تصانیف الشیعه***، ج ۲۵، ص ۳۰۵.
۴. زنجانی، ***الجامع فی الرجال***، ج ۲، ص ۵۶۳.
۵. مقدسی، ***احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم***، ص ۴۲۸.

دانشمند نمی‌شدند؟».[۱] بنابراین، انتساب فضل به قبیله «ازد»، لزوماً به معنای یمنی بودن نیاکان او نیست. خاندان او می‌توانند از ایرانیان اصیل باشند که در راستای عدم پایمالی حقوقشان، أزدی ولایی شده‌اند.[۲]

تحریف در شخصیت همسر، دختر و دامادِ فضل

در فیلم، برای فضل، همسر و دختری به نام فاطمه، قلمداد شده است. این دخترِ در حال عقد که همچون شوهرش، سهراب، منتظر برپایی مجلس عروسی است، موضوع گفتگوی فضل و پیروز، پدر داماد، در همه برخوردها در تسریع تشکیل مجلس است. به‌علاوه در فیلم، نقش دختر او، بسیار مؤثر و پررنگ دیده شده است، به‌نحوی‌که علاوه بر مشورت و مدد به پدر در کمک به همسر نقشی بنیادین و انقلابی دارد.[۳] در جوانب این موضوع، چند نکته قابل ذکر است.

۱. هیچ منبع تاریخی، رجالی و حدیثی به زمان تولد فضل بن شاذان، تأهل و عدم تأهل، تعداد فرزندان، جنسیت و سنِ فرزندانش، اشاره‌ای نداشته‌اند. در اساس، هیچ قرینه و دلیلی بر انتساب فرزند به او وجود ندارد و آن امری محتمل است.

۲. اگر فضل دارای فرزندی بدان نام بوده که در زندگی سیاسی و علمی پدرش، نقشی برجسته داشته، حداقل، می‌بایست فضل به ابوفاطمه نام‌بردار می‌شد و به‌علاوه به طور طبیعی، فاطمه که فاضل و دل‌مشغول به مقوله علم و سیاست بود، باید به نقل از پدر محدث، متکلم و فقیه‌اش می‌پرداخت، با اینکه در هیچ زمینه‌ای، نقلِ او گزارش نشده است، درحالی‌که در کتب حدیثی و رجالی نام پدر فضل، برادران فضل، پسران برادرش و نوهٔ برادرش مطرح شده است.

۳. بی‌تردید، کنیه فضل بن شاذان طبق همه منابع، «ابومحمد» بوده است،[۴] اما اشاره‌ای در فیلم ستاره شرق به آن نشده است. درعین‌حال، تأکید می‌شود، کنیه مذکور، حاوی رهاورد یقینی بر اینکه او متأهل و دارای فرزندی به نام «محمد» بوده، نیست. رسم بر این بوده که برای اشراف و به‌منظور تفخیم، در کنار اسم و لقب از کنیه استفاده می‌شده است. به‌علاوه بسیار اتفاق می‌افتاده که از باب «تفأّل» و

---

۱. حاکم نیشابوری، ***تاریخ نیشابور***، ص ۵۱.

۲. به‌عنوان مثال، طاهریان که ایرانی اصیل و به منوچهر و طبق روایت دیگر به رستم می‌رسند و معاصر ابن‌شاذان بودند، به قبیله «خزاعه» منسوب هستند. زمانی که طلحه بن عبدالله خزاعی، حاکم سیستان بود، طاهریان از موالی خزاعه شدند و حتی پس از کسب قدرت گسترده در قلمرو جهان اسلام، از کاربرد آن انتساب، خودداری نکردند. (اکبری، ***تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام***، ص ۶۱)

۳. ستاره شرق، اکثر دقیقه‌ها.

۴. طوسی، ***رجال الطوسی***، ص ۳۹۰ و ۴۰۱؛ طوسی، ***فهرست کتب الشیعة و أصولهم***، ص ۱۹۶؛ نجاشی، ***رجال النجاشی***، ص ۳۰۶؛ حلی، ***خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال***، ص ۲۲۹؛ ابن‌داود حلی، ***رجال ابن‌داود***، ص ۱۵۱.

چشمداشت به داشتن فرزندی، کنیه‌ای انتخاب می‌شده؛ گرچه فضل دارای فرزندی نبوده و یا نشده است. اعراب حتی برای حیوانات کنیه وضع کرده‌اند، همان گونه که «ابوحارث» کنیه شیر است.[۱]

۴. بخش‌هایی از فیلم حاوی این است که همسر و دختر فضل بی چادر، گرچه با پوشش مناسب در معابر عمومی رفت و آمد می‌کنند، به‌نحوی‌که دست‌فروشان و صاحبان مغازه‌ها در شهر بزرگ نیشابور، آنان را می‌شناسند و از فروش اجناسشان به آنان خودداری می‌کنند.[۲] این نمایه از زنان مسلمان آن مکان و زمان و به‌خصوص همسر و دختر فقیه نام‌بردار شیعی آن منطقه و شناخته شدن آن دو برای دیگران، بسیار از حقیقت به دور می‌نماید.

۵. در این فیلم که در ارتباط با یک شخصیت عظیم شیعی دوران حضور است، مانند اکثر زنجیره‌ها و فیلم‌های ایرانیِ سالیان اخیر، جاذبه‌های جنسیتی ورود یافته است. گفتگوها و نگاه‌های سهراب و فاطمه و انتظار زوجین برای مجلس عروسی، تأکید و وعده همیشگی فضل بن شاذان ـ در ۲۶۰ ق که سال پایان عمرش است ـ به پدر داماد که مجلس را به زودی برگزار می‌کنیم[۳] و قهر و گریه همسر فضل از اینکه کسی در عروسی دخترش شرکت نکرد،[۴] انعکاس و تأثیر شرایط موجود قرن پانزدهم هجری قمری بر ذهن نویسنده و کارگردان تفسیر می‌شود. کشاندن فضای فیلم به امری موهم و محتمل در وجود دختر و فروکاستن و نپرداختن به موضوعات اساسی مربوط به فضل، رویکردی نااستوار تلقی می‌شود.

۶. در فیلم، نام دامادِ ابن‌شاذان، سهراب و نام پدرش، پیروز با شغل صحافی است که برای هر دو، نقش کلیدی و معنادار در نظر گرفته شده است که درنهایت پیروز صحاف، به‌خاطر حمایت از فضل، صحافی و صیانت از کتب او، به وسیله جابر بن معاذ، در محل کارش کشته می‌شود.[۵] نام‌گذاری پدر و پسر، برخلاف سیره و عرف نام‌گذاری آن زمان است. گفته شد که پس از سیطره سیاسی و نظامی اعراب مسلمان بر ایران، بسیاری هویت مجعول برای خود ساختند و پیوند فامیلی با قبایل عرب به گونه‌ای وسیع، گسترده و رایج شد که کمتر خانواده‌ای از آسیب آن در امان ماند.[۶]

---

۱. مصطفی و همکاران، ***المعجم الوسیط***، ص ۸۰۲.
۲. ستاره شرق، دقیقه ۳۱.
۳. همان، دقیقه ۳۰ ـ ۲۹.
۴. همان، دقیقه ۳۸ ـ ۳۷.
۵. همان، دقیقه ۶۵.
۶. حاکم نیشابوری، ***تاریخ نیشابور***، ص ۱۶؛ بیات مختاری، ***دیدار فضل بن شاذان با امام رضا***ﷺ: ***نقدی بر معرفه الحدیث***، ص ۳۰ ـ ۲۸.

گزاره رازآلودِ قطعِ دستِ ایرانیان در کربلا

فیلم، فضل بن شاذان را در ۲۶۰ ق، بر منبر مسجدی نشان می‌دهد که با حرارت می‌گوید: «سال قبل در کربلا، مردانی از ایران را دیدم که دستان خود را برای زیارت امام حسین علیه‌السلام از دست داده‌اند، اکنون آماده‌اند که سر خود را هم بدهند تا به زیارت بروند» (ستاره شرق، ۱۳۹۳: دقیقهٔ ۱۵ ـ ۱۴). در بررسی این بخش از فیلم‌نامه باید یادآورد شد که بی‌تردید، متوکل، خلیفه عباسی، به کینه‌توزی با خاندان حضرت علی علیه‌السلام مشهور بود. او که قبر امام حسین علیه‌السلام را پایگاهی علیه حکومتش می‌دانست، در ۲۳۶ ق دستور به ویرانی آن داد و سپس قبر را با زمین یکسان کردند، آب بستند و شخم زدند.[۱] بااین‌حال، حکومت دریافت که حتی پس از تخریب، گروه‌گروه از مردم شبانه به زیارت محل قبر حضرت می‌روند. ازاین جهت، مأمورانی در نزدیکی قبر قرار دادند تا هر کس را که به آنجا می‌رود، به قتل رسانند. متوکل در شوال ۲۴۷ ق، یعنی ۱۲ سال پیش از مقطع سخنرانی فضل، به قتل می‌رسد و علویان و شیعیان در زمان منتصر که از ۲۴۷ ق، به خلافت رسید، قبر آن حضرت را بازسازی و زیارت انجام می‌پذیرفت.[۲] نگارندگان با بررسی اجمالی برخی از منابع همچون ***مقاتل الطالبیین***، ***مروج الذهب***، ***تتمه المنتهی*** و برخی دیگر موضوع قطع دست‌ها را نیافتند.[۳] بر فرض تحقق مورد یا مواردی از قطع دست زائران، مدرک و قرینه‌ای حاوی اینکه آنان ایرانی بوده‌اند، در اساس موجود نیست.

ویژگی‌های ناصوابِ محاکمه فضل

فیلم مذکور که زندگی ابن‌شاذان را در برهه کهن‌سالی و سال وفاتش نمایش می‌دهد، به گونه برجسته، حاوی جلسه محاکمه فضل است که گروهی بیشتر از ده نفر از عالمان سالخورده مذاهب اسلامی، او را به دلیل نقل روایاتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و اعتقاد به مهدویت، محاکمه، تخطئه و سزاوار مجازات و زندان می‌دانند و در ادامه زندانی می‌شود و به خانواده‌اش، اجازه ملاقات نمی‌دهند.[۴] در این نمایش بصری، چهار لغزش بنیادین اتفاق افتاده است. ابتدا تنها روایتی که مشتمل بر این موضوع است و اولین بار کشّی گزارش نموده، نقل و سپس به نااستواری فیلم پرداخته می‌شود:

ذکر ابوالحسن محمد بن اسماعیل البُندقي النیسابوري: ان الفضل ابن‌شاذان بن الخلیل نفاه عبدالله بن

---

۱. سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۷۴.

۲. همان، ص ۳۸۵.

۳. اصفهانی، ***مقاتل الطالبیین***، ص ۳۹۵؛ مسعودی، ***مروج الذهب***، ج ۴، ص ۵۱؛ سیوطی، ***تاریخ الخلفاء***، ص ۳۷۴؛ قمی، ***تتمة المنتهی***، ص ۲۳۸؛ پیشوایی، ***سیرة پیشوایان***، ص ۵۸۷.

۴. ستاره شرق، دقیقه ۶۸.

طاهر عن نيسابور، بعد ان دعي به واستعلم كتبه وأمره أن يكتبها، قال: فكتب تحته: الاسلام [نخبه الاسلام] الشهادتان و ما يتلوهما، فذكر: انه يجب ان يقف علي قوله في السلف. فقال أبومحمد: اتولي ابابكر وأتبرء من عمر، فقال له: ولم تتبرء من عمر؟ فقال: لاخراجه العباس من الشوري، فتخلص منه بذلك.[۱]

زمان، محاکمه کننده و حکم صادره: فیلم زمان محاکمه را ۲۶۰ق، گروه محاکمه کننده را گروهی از دانشمندان و نتیجه آن را زندانی شدن فضل، قلمداد می‌کند که سخنانی بی بنیاد است، زیرا کشّی از ابوالحسن محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری که شاگرد و راوی فضل بن شاذان به شمار می‌آید، با گزاره «ان الفضل ابن‌شاذان بن الخليل نفاه عبدالله بن طاهر عن نيسابور، بعد أن دعى به واستعلم كتبه [...]»، نقل می‌کند که عبدالله بن طاهر،[۲] فضل را احضار و محاکمه کرده است بنابراین محاکمه در فاصله زمانی ۲۱۵ ق تا ۲۳۰ ق، اتفاق افتاده و نه ۲۶۰ ق و افزون اینکه نتیجه، نفی بلد و تبعید است و نه زندانی که به خانواده‌اش اجازه ملاقات ندهند.

چرایی محاکمه: فیلم‌نامه حاوی این است که عالمان اسلامی، او را به‌خاطر نقل روایاتی از پیامبرﷺ درباره امام مهدیؑ و اعتقاد به مهدویت، محاکمه و سزاوار مجازات و زندان می‌دانند. در این راستا باید توجه داشت که بی تردید، در شمار تألیفات ۱۶۰ و یا ۱۸۰ گانه فضل، تعدادی از آثارش مانند ***اثبات الرجعه***، ***الرجعه***، ***القائم***ؑ، ***الملاحم***، ***حذو النعل بالنعل***، ***التنبيه من الحيره و التيه***، به موضوع مهدویت و مسائل مربوط به آن اختصاص یافته است.[۳] با بررسی کتب رجالی و فهرستی، می‌توان ادعا کرد که هیچ یک از صحابیان، با دو ویژگی کمیت و کیفیت، همانند فضل، در دوران حضور، مهدی‌پژوه نبوده و به مقوله مهدویت توجه نداشته‌اند. روایات بسیاری از او در منابع حدیثی موجود است.[۴] ابن‌شاذان، در مقطع اختناق

---

۱. کشی، ***رجال الکشی***، ج ۲، ص ۸۱۸.

۲. طاهر بن حسین بن مصعب (ذوالیمینین) از ۲۰۵ ق تا ۲۰۷ ق، حاکم خراسان بود و پس از او، طلحه بن طاهر به نیابت از عبدالله بن طاهر یا به استقلال، مسئول امارت خراسان شد. طلحه در ۲۱۳ ق درگذشت و عبدالله بن طاهر مأموریت یافت تا به خراسان رود. ازآنجاکه او در دینور، مشغول فراهم‌سازی لشکر برای اعزام به جبهه جنگ با بابک خرم‌دین بود، برادرش علی را موقتاً به خراسان فرستاد و خود بعد به خراسان آمد. او در ۲۱۳ ق به امیری خراسان منصوب شد، اما عملاً در ۲۱۵ ق، کار خویش را شروع کرد و نیشابور را برخلاف پدر و برادرش که در مرو مستقر بودند، به دلایلی چند به‌عنوان پایتخت برگزید. او به مدت ۱۷ سال حاکم رسمی خراسان بود و در روز چهارشنبه دهم ربیع‌الاخر ۲۳۰ ق، در سن ۴۸ سالگی زندگانی را به پایان رساند و در نیشابور دفن شد. (حاکم نیشابوری، ***تاریخ نیشابور***، ص ۲۲۰؛ اصفهانی، ***تاریخ پیامبران و شاهان***، ص ۲۰۷؛ اکبری، ***تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام***، ص ۲۱۲ ـ ۱۷۳)

۳. کشی، ***رجال الکشی***، ج ۲، ص ۸۲۲؛ طوسی، ***فهرست کتب الشیعة و أصولهم***، ص ۱۹۶؛ نجاشی، ***رجال النجاشی***، ص ۳۰۶.

۴. بیات مختاری، ***مسند الفضل بن شاذان النیسابوری***، ج ۱، ص ۳۳۱ ـ ۲۵۱.

و فشار شدید بر امامان جوادعليه‌السلام، هادی‌عليه‌السلام و عسکری‌عليه‌السلام و در مقطع تولد امام دوازدهم که همگی منصوب و منصوصند، به نگارش این تألیفات پرداخته است. او با این تألیفات گوشزد و مژده می‌دهد که نظام سیاه عباسی و سایر نظام‌های غیر الهی ماندگار نیستند و جریان پیروز که تاریخ نیز به سوی آن حرکت می‌کند، حاکمیت ارزش‌های مکتب اهل‌بیت‌عليهم‌السلام است.

طبق نص مذکور، انگیزه محاکمه فضل از سوی عبدالله بن طاهر، کلیت دیدگاه‌های فضل، ازجمله موضوع رهبری پس از پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله و اعتقاد به مکتب امامت است و در نشست دادگاه، نهاد «مهدویت» مطرح نبود. مبنی بر گزارش مذکور از کشّی، عبدالله بن طاهر، فضل بن شاذان را احضار و از او درخواست نمود تا محتوا و رویکرد آثار و چکیده عقایدش را بنویسد. ابن‌شاذان اعتقاد به یکتایی خدا و نبوت پیامبر اسلام و الزامات متفرع بر این دو اصل را به عنوان عقایدش برشمرد. عبدالله گفت می‌خواهم اعتقاد تو را دربارهٔ خلفای نخستین اسلام و موضوع رهبری پس از پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله بدانم؟ فضل گفت: ابوبکر را دوست دارم و از عمر بیزارم. عبدالله گفت: چرا از عمر تبری می‌جویی؟ فضل پاسخ داد: به خاطر اینکه او عباس را به شورا نخواند. سخن فضل نوعی تقیه بود، زیرا در بین فرق مسلمین کسی یافت نمی‌شود که ابوبکر را دوست بدارد و از عمر بیزار باشد. درعین‌حال، سخنش متضمن نوعی پاسخ خوشایند برای عباسیان بود، زیرا عباس عموی رسول خدا و سرسلسله عباسیان بود و عبدالله بن طاهر پیرو مکتب خلافت و از طرف آنان به حکومت خراسان منصوب بود. درنتیجه، عبدالله از اتخاذ خشونت خودداری و صرفاً فضل را به بیرون از آن دیار، تبعید نمود.[1]

بی‌تردید دلیل محاکمه فضل، موضوع «مهدویت» نبوده زیرا در بین اهل سنت اعتقاد به مهدویت، قطعیت برپایی دولت جهانی امام مهدی‌عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، قریشی، علوی، فاطمی و غیره که بر اساس بشارت‌های پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله شکل گرفته، اتفاق‌نظر وجود دارد. تکرار و تأکید پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله و عترت‌عليهم‌السلام بر این امر، سبب شده است بسیاری از محدثان و محققان فریقین با نگاشتن کتاب‌های مستقل و یا اختصاص فصولی از کتاب‌هایشان، بر تواتر این احادیث و قطعیت باور داشته، بر تشکیل حکومت جهانی امام مهدی‌عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف استدلال نمایند و منکرش را فاسق و کافر شمارند. در صحاح و منابع معتبر اهل سنت، روایات مهدویت در حد تواتر است.[2]

---

۱. کشی، ***رجال الکشی***، ج ۲، ص ۸۱۸؛ خویی، ***معجم رجال الحدیث***، ج ۱۴، ص ۳۱۳.

۲. ابن‌حنبل، ***المسند***، ج ۱، ص ۳۷۶ و ۴۰۵؛ ج ۲، ص ۴۱۷ و ۳۷۰؛ ج ۶، ص ۳۱۶؛ ترمذی، ***سنن الترمذی***، ۳ ج، ص ۳۴۳؛ ابوداود سجستانی، ***سنن ابی‌داود***، ج ۲، ص ۳۱۱ ـ ۳۱۰ و ۳۰۳؛ ابن‌حبان، ***صحیح ابن‌حبان***، ج ۱۳، ص ۲۸۴؛ ج ۱۵، ص ۹۳ و ۲۳۸ ـ ۲۳۶؛ بخاری، ***الجامع الصحیح***، ج ۸، ص ۸۹ و ۴۰۶؛ ابن‌ماجه قزوینی، ***سنن ابن‌ماجه***، ج ۲، ص ۱۳۶۸ و ۱۳۴۵؛ حاکم نیشابوری، ***المستدرک علی الصحیحین***، ج ۴، ص ۶۰۱ و ۴۳۱؛ ابن‌بطریق، ***عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب***

کاهش و افزایش در بیان تصنیفات

در بخش‌های گوناگون فیلم، سخن از آثار فضل به میان آمده است. در بخشی نشان می‌دهد که فضل در ۲۶۰ ق، سه کتاب خود به نام‌های ***الایضاح***، ***القائم*** و ***الیوم و اللیله*** که بسیار حجیم می‌نماید، در دست دارد و به پیروز صحاف مراجعه می‌کند و می‌گوید که اینها اولین کتاب‌های من است که از احادیث گرد آورده‌ام و شما آنها را صحافی کن.[۱] این در حالی است که شیخ طوسی گزارش می‌دهد که فضل بن شاذان نیشابوری، فقیه و متکلم ارجمند و دارای کتاب‌ها و تصنیفات فراوانی است و ۳۲ عنوان از تألیفاتش را برشمرده و می‌نویسد که برای او کتبی دیگری است که به اسامی آنها شناختی نداریم. در عناوینی که شیخ طوسی گزارش می‌دهد، نامی از ایضاح نیست. نجاشی نیز می‌نویسد که گنجی گزارش می‌دهد ابن‌شاذان، ۱۸۰ کتاب تألیف کرده است. او سپس ۴۸ عنوان از تألیفاتش را برمی‌شمارد که در عِداد آنها، ایضاح، ذکر نشده است.[۲] شایان ذکر است که فضل سالیانی قبل در فاصله بین ۲۱۵ ق تا ۲۳۰ ق که زمان درگذشت عبدالله بن طاهر است، به دلیل عقاید و تصنیفاتش محاکمه و تبعید گردیده و نمی‌توان آن سه کتاب را اولین نگاشته‌های فضل به شمار آورد. حال این سؤال مطرح است که بر اساس گزارش فیلم، چگونه فضل بن شاذان، ۱۸۰ کتاب را در سال پایانی عمرش، به نگارش درآورده است!

در قسمتی دیگر از فیلم نشان داده می‌شود که نیروهای حکومتی به منزل فضل هجوم آورده‌اند و درب منزل او را شکسته و اعلام می‌شود که به حکم امیر، ابن‌شاذان مجرم و نوشته‌هایش کفرآمیز است.[۳] تمام کتاب‌هایش در جلسه‌ای که حاکم و شیخ الشیوخ نیز حضور دارند، آورده می‌شود. نگاشته‌های فضل افزون بر الهیّات، در حوزه طب، هیئت، جغرافیا و ریاضیات، نیز قلمداد می‌شود. فیلم‌نامه او را ذوالفنون معرفی می‌کند،[۴] اما تردیدی در گزافه‌گویی نیست. طوسی و نجاشی تنها او را فقیه و متکلم عالی‌قدر معرفی کرده‌اند و عناوین حدود ۸۰ کتابی که آن دو گزارش کرده‌اند، نیز همگی در حوزه کلام و فقه است و عناوین حاوی موضوعات دیگر نیست.[۵]

امام الابرار، ص ۴۳۹ و ۴۳۳؛ مسلم نیشابوری، ***الجامع الصحیح***، ج ۸، ص ۱۷۰، ۱۶۷ و ۵۸؛ متقی هندی، ***کنزالعمال***، ج ۱۴، ص ۲۶۶؛ قندوزی، ***ینابیع الموده لذوی القربی***، ج ۳، ص ۲۶۲؛ مقدسی شافعی، ***عقد الدرر فی أخبار المنتظر***، ص ۲۱۳؛ طبرانی، ***مسند الشامیین***، ج ۲، ص ۷۲؛ فیض کاشانی، ***الوافی***، ج ۲، ص ۴۶۸.

۱. ستاره شرق، دقیقه ۲۹ ـ ۲۷.

۲. طوسی، ***فهرست کتب الشیعة و أصولهم***، ص ۱۹۸؛ نجاشی، ***رجال النجاشی***، ص ۳۰۶.

۳. ستاره شرق، دقیقه ۵۰ ـ ۴۸.

۴. همان، دقیقه ۷۵ ـ ۷۳.

۵. طوسی، ***فهرست کتب الشیعة و أصولهم***، ص ۱۹۸؛ نجاشی، ***رجال النجاشی***، ص ۳۰۶.

فیلم دربرگیرنده این است که دشمنان و گماشتگان حکومت شایع کردند که امام عسکری علیه السلام، فضل را طرد و سخنانش را کفرآمیز شمرده و از رهگذر این نیرنگ‌ها، جایگاه ابن‌شاذان دستخوش تزلزل گردید و دامادش، سهراب، به رهنمود او و یا به خود ایستایی، با آوردن سه کتاب قطور الرّجال، القائم و الإیضاح، نزد امام عسکری علیه السلام در سامرا درصدد استحکام جایگاه ابن‌شاذان برآمده است. امام پس از تورّق و بررسی می‌فرمایند که درون‌مایه اینها درست و عمل به آنها جایز است و سپس هر سه را مهر و امضاء می‌کنند و سهراب آنها را به نیشابور منتقل و شایعه را ابطال می‌کند.[1] بی‌گمان این گزارش اجتهاد فراروی نصّ و به تماماً ساختگی است. همان طور که ذکر شد، شیخ طوسی ۳۲ عنوان و نجاشی ۴۸ عنوان از تصنیفات فضل را برشمرده‌اند، ولی در عِداد آنها، ایضاح و الرّجال در اساس یاد نشده‌اند. از سویی، باید بیان داشت که مگر ایضاح موجود و الرجال مفروض، نوشتاری عملی و رفتاری هستند که حضرت کنش به محتوی آنها را مورد تأکید قرار دهند. ایضاح، نقد مکاتب کلامی و کتاب‌های رجالی در شناخت راویان حدیث است. همچنین باید دانست که دیدارکننده با امام عسکری علیه السلام، سهراب نیست، بلکه بورق بوشنجانی از دانشمندان شیعی است و حضرت، تنها کتاب ***الیوم و اللیلة*** را مشاهده و آن را تأیید نموده‌اند و خبری از ***الرّجال***، ***القائم*** و ***الإیضاح*** نیست.

کشّی از محمد بن ابراهیم وراق سمرقندی نقل می‌کند:

> تصمیم به حج گرفتم و در مسیسر به دیدار بورق بوشنجانی از دانشمندان شیعی اهل هرات رفتم. سخن از فضل بن شاذان به میان آمد. بورق گفت: فضل گرفتار بیماری سختی بود که به پاس فراوانی بیرون رفتن از خانه، شب‌ها نمی‌توانست به استراحت بپردازد. رهسپار سفر حج شدم و نخست به بغداد رفتم و به حضور محمد بن عیسی عبیدی از دانشمندان بزرگ شیعی رسیدم. او و شیعیان دیگر برای زندانی شدن امام عسکری علیه السلام غمگین و نگران بودند. راهی حج شدم و پس از پایان مناسک دوباره نزد محمد بن عیسی در بغداد رفتم و او و اطرافیانش را از جهت آزادی امام خرسند یافتم. عازم سامرا شدم. چون به پیشگاه حضرت رسیدم، کتاب الیوم و اللیله اثر فضل را که با خود داشتم، به ایشان دادم. حضرت نوشته را تا پایان نگریست و سپس با گزاره: «هذا صحیحٌ ینبغي أن یعمل به»، فرمودند روایات و مطالب کتاب همگی درست و شایسته عمل است. سپس گفتم ابن‌شاذان سخت بیمار است و ناهم‌سویان شایع کرده‌اند که بیماری او پیامد نفرین شماست، زیرا به شما گزارش کرده‌اند که او وصی ابراهیم را بهتر از جانشین محمد صلی الله علیه و آله می‌داند، اما او این جمله را نگفته و بر او دروغ بسته‌اند. امام با گزاره

---

۱. ستاره شرق، دقیقه ۸۷، ۷۳، ۶۱ و ۴۷.

«نعم رحم الله الفضل»، گفتند آری، فضل چنین سخنی نگفته و ما او را نفرین نکرده‌ایم و خداوند او را مشمول رحمت خویش قرار دهد.[۱]

شخصیتِ ساختگیِ جابر بن معاذ

در فیلم، شخصی به نام جابر بن معاذ بغدادی، به‌عنوان شیخ الشیوخ بغداد و جهان اسلام، نقش کلیدی دارد. او نیمه‌شب ۲۶۰ ق در بغداد مشغول عبادت است که مأموران خلافت از سامرا، فرامی رسند و بی آنکه اجازه دهند تا او آماده سفر شود، با مرکبی که خود آورده‌اند، او را به سامرا می‌برند تا به نیشابور برای خاموش کردن فضل بفرستند.[۲] در ادامه گفتارها و رفتارهایی از او سر می‌زند که برخلاف عقل و عرف جامعه است. مبنی بر بررسی منابع دریافت می‌شود که وجود شخصی به نام جابر بن معاذ امری موهوم و ریشه در هیچ منبع تاریخی ندارد. به‌علاوه جعل آن نام اثر منفی دارد، زیرا تلفیقی از نام جابر بن عبدالله انصاری و معاذ بن جبل است که از صحابیان پیامبرﷺ می‌باشند. در این بین سؤالات چندگانه‌ای مطرح می‌شود: چه حادثه غیرمترقبه رخ داده که باید او احضار و مسافت بغداد تا سامرا با تاختن سریع اسب‌ها در دل شب اتفاق بیفتد؟ آیا متعارف است که دستگاه خلافت با «شیخ الشیوخ» در حال عبادت خود که سخت به همکاری‌اش نیازمند است و همه یاغیان علیه حکومت با او سروکار دارند و او تقاضای مهلت برای آماده شدن سفر می‌کند، وقعی ننهد و برخورد غیرمؤدبانه داشته باشد و در دارالحکومه سامرا نیز او را تحقیر و استهزاء نماید؟ مگر شرق جهان اسلام از بغداد تا مرو، سمرقند، بخارا و نیشابور فاقد محدث ـ متکلم است که باید «شیخ الشیوخ» برای اسکات و اقناع فضل، به نیشابور اعزام شود؟ درحالی که آن عصر، عالمان بزرگ مکتب خلافت و اهل سنت همانند بخاری، مسلم بن حجاج نیشابوری، ابن‌راهویه، محمد بن یحیی و صدها دانشمند دیگر، در نیشابور حضور داشتند.

جابر بن معاذ از مسافرت به نیشابور و گفتگوی با فضل واهمه و ترس دارد و به معتمد، خلیفه عباسی، می‌گوید در ایام تحصیل با او بوده‌ام بنابراین من را از رفتن به نیشابور معاف کنید.[۳] چگونه اتفاق می‌افتد که فضل شیعی و جابر بن معاذ از مکتب خلافت، در بغداد مشایخ یکسان داشته باشند؟ به‌علاوه چرا ترس؟ به قول فضل، کل جهان اسلام، طعم فتاوای جابر بن معاذ را چشیده‌اند.[۴] کدام امپراتوری که مدیران و فرماندهان بزرگ سیاسی و نظامی دارد، قاضی القضات و فقیه خود را تطمیع به حکومت می‌کند

---

۱. کشی، ***رجال الکشی***، ج ۲، ص ۸۱۷.
۲. ستاره شرق، دقیقه ۴ ـ ۱.
۳. همان، دقیقه ۸ ـ ۷.
۴. همان، دقیقه ۱۲ ـ ۱۱.

و برای گفتگوی با فضل و اسکات و اقناع او، حکومت منطقه خراسان را به وی می‌بخشد.[۱] کدام فقیه ملی در عینیت جامعه به خود اجازه می‌دهد که همانند انسان‌های قاتل و شریر به شکنجه و قتل بی‌گناهانی ازجمله پیروز صحاف در حضور ده‌ها نفر و در محل کارش بپردازد؟[۲] در حالی که جابرِ ساختگی، از عابدان شب‌های بغداد بود.

کُنشگری فضل پس از خاندان طاهر

فیلم دربرگیرنده این است که پس از حضور جابر در ۲۶۰ ق نزد معتمد برای اعزام به خراسان، به او گفته می‌شود که فضل پس از سرنگونی طاهریان، دوباره تکاپویش را بر ضد خلیفه آغاز کرده، ازاین‌رو برای آرام‌سازیش به خراسان رهسپار شود.[۳] در بخشی دیگر، جابر در زندان نیشابور، فضل را مخاطب قرار داده و می‌گوید: دودمان طاهر برافتاده‌اند و در دوره آل‌صفار با تو مدارا نخواهد شد.[۴] بی گمان این سخنان به دو دلیل با واقعیت تاریخ، فاصله دارد:

۱. پنج تن از طاهریان از سوی عباسیان به‌عنوان مدیر سیاسی خراسان و در حدود نیم قرن به‌صورت موروثی منصوب شده‌اند: طاهر بن حسین بن مصعب نام‌بردار به ذوالیمینین (۲۰۷ ـ ۲۰۵ ق)، طلحه بن طاهر (۲۱۳ ـ ۲۰۷ ق)، عبدالله بن طاهر (۲۳۰ ـ ۲۱۳ ق)، طاهر بن عبدالله بن طاهر (۲۴۸ ـ ۲۳۰ ق) و محمد بن طاهر بن عبدالله (۲۵۹ ـ ۲۴۸ ق). اگرچه کابینه طاهری خراسان در ۲۵۹ ق به وسیله یعقوب بن لیث صفار از میان رفت، اما برخی از رویدادها اشاره دارد که آنان حتی تا ۳۰۱ ق عهده‌دار مناصبی در بغداد بوده‌اند.[۵] زندگی دانشوارانه، فرهنگی و سیاسی ابن‌شاذان، هم‌زمان با تمامی دوره امارت طاهریان در خراسان بوده است و نه اینکه با سرنگونی آنان، کار و جنبش اساسی‌اش را آغاز کرده باشد. گزارش‌ها نشان‌گر آن است که فضل در زمان سقوط آل‌طاهر و درآمدن یعقوب به نیشابور در دوم شوال ۲۵۹ ق، بیمار بوده و حداکثر چهار ماه پس از آن درگذشته است. بورق بوشنجانی به احتمال قوی در شوال ۲۵۹ ق دو ماه پیش از آغاز آئین حج و شاید اندکی قبل‌تر، به دیدار فضل می‌آید که اگر پیامی ویژه برای امام عسکری‌ؑ دارد، دریافت شود. او در این سفر کتاب ***الیوم و اللیله*** فضل را به سرزمین وحی می‌برد و سپس برای دیدار حضرت، به سامرا می‌رود. بیماری فضل گزارش می‌شود و اینکه دشمنان بیماری را

---

۱. همان، دقیقه ۹ ـ ۸.
۲. همان، دقیقه ۶۵.
۳. همان، دقیقه ۸ ـ ۷.
۴. همان، دقیقه ۵۸.
۵. اکبری، ***تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام***، ص ۲۴۲.

نتیجه نفرین حضرت می‌دانند، اما حضرت آن شایعه را تکذیب و بر فضل چند بار رحمت می‌فرستند.[۱] اگر دیدار بورق بوشنجانی با حضرت، یک ماه پس از ذی‌الحجه رخ داده باشد، باید درگذشت فضل در محرم ۲۶۰ ق و حداکثر در ماه صفر اتفاق افتاده باشد، زیرا بورق می‌گوید پس از بازگشت به نیشابور روشن شد در همان زمان که حضرت، فضل بن شاذان را مورد ترحم خویش قرار داد، او درگذشت. امام عسکری علیه‌السلام نیز دو ماه پس از فضل در هشتم ربیع‌الاول ۲۶۰ ق به شهادت رسید.

۲. اینکه گفته شود، روزگار آل‌طاهر به خلاف صفاریان برای فضل عصر مدارا بوده، در اساس، صحیح نیست. حقیقت آن است که طاهریان از نظر مذهبی سنی بوده و حرکت و موضع مذهبی آنان در راستای مواضع خلفای عباسی رقم خورده است. هنگامی که مأمون اظهار دیدگاه معتزلی نمود، طاهریان نیز همان را پیروی می‌کردند و زمانی که متوکل عباسی به پشتیبانی از اهل حدیث پرداخت، طاهریان هم‌گرایی داشتند. طاهریان با ارسال خراج و پیشکشِ هدایا و ضرب سکه به نام خلیفه و حذف کردن و تبعید دشمنان حکومت عباسی، همانند علویان و افرادی همچون فضل بن شاذان، وفاداریشان را نسبت به خلافت بغداد ابلاغ می‌داشتند. وفاداری طاهریان به عباسیان در طی ۵۵ سال فرمانرواییشان (۲۵۹ ـ ۲۰۵ ق) برجسته‌ترین ویژگی سیاسی آنان محسوب می‌شود. قتلِ امین به دست طاهر، به انگیزه روی کار آوردن مأمون انجام پذیرفت. بعدها نیز همین فداکاری را طاهریان در هر زمان از خود نشان داده و مأمور سرکوبی شورش‌های خوارج، علویان و دیگر شورش‌هایی بودند که در هر نقطه‌ای از عراق، مصر و یا ایران بر ضد عباسیان رخ می‌داد.

نتیجه

سینما به‌عنوان پدیده‌ای نسبتاً نوظهور، نقش بسیار مهمی در ایجاد و تغییر فرهنگ و فرهنگ‌پذیری افراد جامعه دارد و همانند سایر یافته‌ها و ساخته‌های انسانی، می‌توانند مفید یا مضر باشد. هنر سینما به‌عنوان یک هنر برتر، عاملی مسلط و مشرف به ذهن مخاطب است و گفتمان بصری ارائه شده به‌ویژه در زمینه آثار برخوردار از درون‌مایه تاریخی، می‌تواند شکل‌گیری نگرش بیننده را به همراه داشته باشد. مبنی بر یافته‌های پژوهش دریافت می‌گردد که فیلم‌نامه‌نویسان ستاره شرق، فارغ از بررسی همه‌جانبه در منابع معتبر و یا چنانچه توانایی بهره‌برداری ندارند، با گزینش مشاوری کارآزموده در تاریخ اسلام، نتوانسته‌اند به هدفِ دستیابی به حقیقت راستین زندگانی فضل بن شاذان جامه عمل بپوشانند و از این رهگذر، لغزش‌ها و کاستی‌های بنیادین رقم خورده است. کل متن فیلم از آغاز تا انتها حاوی زندگی فضل مربوط به ۲۶۰ ق است

---

۱. کشی، ***رجال الکشی***، ج ۲، ص ۸۱۷.

که طبق تحقیق مستند، او در ۲۵۹ ق بیمار بوده و در اولین ماه ۲۶۰ ق و حداکثر در دومین ماه آن سال، فوت کرده است. فیلم در گزارش از اصالت و نژاد فضل و خانواده او، برهه فعالیت‌هایش، زمان نگارش کتاب‌ها و جایگاه آنها، چرایی برپایی دادگاه، محاکمه کننده او و برهه محاکمه و فرجام آن، سخت به خطا رفته است. همچنین شیعیان و بزرگان مکتب امامت را بسیار زودباور و درون‌تهی پنداشته، به‌گونه‌ای که مأمور درجه اول حکومت، در میان بزرگان شیعه راه می‌یابد و آنان او را به‌عنوان نماینده شیعیان نیشابور، نزد امام عسکری علیه‌السلام می‌فرستند تا از منزلت فضل پرسش کند و او با همکاری دستگاه حکومت، نامه‌ای را به نام امام جعل و به مردم ارائه و آنان تحت تأثیر قرار می‌گیرند. تأسف‌بارتر اینکه، جابر بن معاذ، فقیه شناخته شده مکتب خلافت که در مقابل دیدگانشان، اقدام به خونریزی و بزهکاری می‌نماید، با دسیسه حکومت به‌عنوان نماینده امام عسکری علیه‌السلام به‌جای فضل معرفی و مورد پذیرش برخی قرار می‌گیرد. خط سیر فیلم به‌گونه‌ای است که هیچ فردی پاسخ سلام فضل، بزرگ‌ترین فقیه و متکلم شرق جهان اسلام، را نمی‌دهد، به همسر و دخترش کالا نمی‌فروشند، تنها پشتیبانش دامادش است که بنیان موجودیت همه آنان، نیز قابل تردید است. علاوه بر این، فیلمنامه از جهت ساختار نیشابورشناسی و شیعه‌پژوهی، دستخوش چالش بنیادین است، چنان‌که عالمان مکتب امامت و شیعیان نیشابوری را سطحی‌نگر، ساده‌لوح و فریب‌خورده ترسیم می‌نماید که بی‌شک این همه، به‌واسطه عدم بهره‌مندی از کارشناسان برجسته علم تاریخ در حوزه تولیدات تصویری و برهانی آشکار بر لزوم رهایی از مطالعات جزیره‌ای و توجه به مطالعات بین‌رشته‌ای با حضور متخصصین علوم گوناگون (در این فیلم: تاریخ ـ هنر) محسوب می‌شود.

منابع و مآخذ

- ابن‌بطریق، یحیی (۱٤۰۷ ق). ***عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار***. قم: اسلامی.
- ابن‌حبان، محمد (۱٤۰۸ ق). ***صحیح ابن‌حبان***. تحقیق شعیب الارنووط. بیروت: الرساله.
- ابن‌حنبل، احمد بن محمد (۱٤۲۱ ق). ***المسند***. بیروت: الرساله.
- ابن‌داوود حلی، حسن بن علی (۱۳۹۲ ق). ***رجال ابن‌داود***. نجف: الحیدریه.
- ابن‌ماجه، محمد بن یزید قزوینی (بی‌تا). ***سنن ابن‌ماجه***. تحقیق و تعلیق محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دار الفکر.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱٤۱۰ ق). ***سنن ابی‌داود***. تحقیق و تعلیق سعید محمد لحام. بیروت: دارالفکر.
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۳۸۵ ق). ***مقاتل الطالبیین***. نجف: حیدریه.

- اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۳٦۷ ش). ***تاریخ پیامبران و شاهان***. ترجمه جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.
- اکبری، امیر (۱۳۸٤ ش). ***تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام***. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱٤۰۱ ق). ***الجامع الصحیح***. بیروت: دارالفکر.
- بیات مختاری، مهدی (۱۳۹۱ ش). ***دیدار فضل بن شاذان با امام رضا***ﷺ***: نقدی بر معرفه الحدیث***. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بیات مختاری، مهدی (۱۳۹۳ ش). ***مسند الفضل بن شاذان النیسابوری***. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۷۷ ش). ***سیرة پیشوایان***. قم: مؤسسه امام صادقﷺ.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵ ق). ***سنن الترمذی***. تحقیق احمد محمد شاکر. مصر: مصطفی البانی.
- تهرانی، محمد محسن (آقابزرگ) (۱۳۳۷ ش). ***الذریعه الی تصانیف الشیعه***. تهران: کتابخانه اسلامیه.
- جهانگردی، فاطمه (۱۳۹٦ ش). «نقش فیلم در آموزش تاریخ: چالش‌ها و راهکارها». ***رشد آموزش تاریخ***. ش ٦۵. ۲٤ ـ ۲۵.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله (۱۳۷۵ ش). ***تاریخ نیشابور***. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله (۱٤۱۱ ق). ***المستدرک علی الصحیحین***. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حلی، حسن بن یوسف (۱٤۱۷ ق). ***خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال***. تحقیق جواد قیومی. قم: مؤسسه الفقاهه.
- حسین‌خانی، فائزه (۱٤۰۱). «ظرفیت‌ها و آسیب‌شناسی فرهنگی ـ تمدنی سریال‌های تاریخی رسانه ملی (با محوریت سریال‌های تاریخی علماء شیعه) ». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱٤۱۳ ق). ***معجم رجال الحدیث***. بی‌جا. بی‌نا.
- زنجانی، موسی (۱۳۹٤ ق). ***الجامع فی الرجال***. قم: چاپخانه پیروز.
- سیوطی، جلال‌الدین (بی‌تا). ***تاریخ الخلفاء***. تحقیق لجنه من الأدباء. مکه: توزیع دار التعاون عباس احمد الباز.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸ ق). ***التوحید***. تصحیح سید هاشم حسینی. قم: اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳٦۲ ش). ***الخصال*** (تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم: اسلامی.
- صدوق، محمد (۱٤۰٤ ق). ***عیون اخبار الرضا***ﷺ. بیروت: موسسة الأعلمی للمطبوعات.

- صدوق، محمد (۱۳٦۳ ش). ***من لا یحضره الفقیه***. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- طبرانی، سلیمان (۱٤۱۷ ق). ***مسند الشامیین***. تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی. بیروت: مؤسسة الرساله.
- طوسی، محمد (۱۳٦۳ ش). ***الإستبصار***. تصحیح سید حسن موسوی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد (۱۳٦٥ ش). ***تهذیب الأحکام***. تصحیح سید حسن موسوی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد (۱٤۱٥ ق). ***رجال الطوسی***. تحقیق جواد قیومی. قم: جامعه مدرسین.
- طوسی، محمد (۱٤۱۷ ق). ***فهرست کتب الشیعة و أصولهم***. قم: مؤسسة نشر الفقاهه.
- عاقبتی خطبه سرا، آرش (۱۳۹۳ ش). تاریخ اسلام در قاب سینما، پیشنهاد سوژه‌های تاریخی به سینما گفتاری از محمدحسین رجبی. ***زمانه***. ۳۱ (۲). ۲٥ ـ ۲٤.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳٦۷ ش). ***راویان امام رضا علیه‌السلام در مسند الرضا علیه‌السلام***. مشهد: گنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام.
- فرخی، حسین (۱۳۷٥ ش). تاریخ اسلام و مضامین اسلامی در فیلم‌های کودکان و نوجوانان. ***سینما تئاتر***. ٤ (٤). ۲۱ ـ ۱۸.
- فیض کاشانی، محمدمحسن (۱٤۰٦ ق). ***الوافی. اصفهان***: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام العامه.
- قمی، عباس (۱۳۳۳ ش). ***تتمة المنتهی***. تصحیح علی محدث‌زاده. تهران: کتابفروشی مرکزی.
- قندوزی، سلیمان (۱٤۱٦ ق). ***ینابیع الموده لذوی القربی***. تحقیق سید علی جمال أشرف الحسینی. تهران: دار الاسوه.
- کشی، محمد (۱٤۰٤ ق). ***رجال الکشی***. تحقیق سید مهدی رجایی. قم: موسسه آل‌البیت.
- کلینی، محمد (۱۳٦٥ ش). ***الکافی***. تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لعل شاطری، مصطفی (۱۳۹۹). واکاوی تبدیلِ گفتمانِ مکتوبِ غزوه خیبر به گفتمان بصری در کتاب طوفان البکاء (مطالعه موردی آثار میرزا علی قلی خویی). ***نامه هنرهای کاربردی و تجسمی***. ۷ (۳). ۹۱ ـ ٦۹.
- متقی هندی، علی (۱٤۰۱ ق). ***کنزالعمال***. تصحیح الشیخ صفوة السقا. بیروت: مؤسسة الرساله.
- محمودیان، آزاده زینب (۱٤۰۲). تحلیل گفتمان بصری پوشش زنان در شبکه نمایش خانگی با تأکید بر هویت ایرانی ـ اسلامی. ***مطالعات هنر***. ۲ (۱). ۱۳٥ ـ ۱٦٦.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۹٦٥م). ***مروج الذهب***. بیروت: دار الأندلس.
- مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۳۹۸ ق). ***الجامع الصحیح***. بیروت: دار الفکر.
- مصطفی، ابراهیم و همکاران (۱٤۲٦ ق). ***المعجم الوسیط***. تهران: مؤسسه الصادق للطباعة و النشر.

- مقدسی، محمد (۱۳٦۱ ش). ***احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم***. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مقدسی شافعی، یوسف (۱٤۱۰ ق). ***عقد الدرر فی أخبار المنتظر***. بیروت: مکتبه المنار.
- میرلوحی موسوی (۱۳۸٤ ش). ***کفایه المهتدی***. قم: دار التفسیر.
- نجاشی، احمد (۱٤۱٦ ق). ***رجال النجاشی***. تحقیق سید موسی زنجانی. قم: اسلامی.
- نجف، محمدمهدی (۱٤۰۹ ق). ***الجامع لروات و اصحاب الامام الرضا***ﷺ. مشهد: المؤتمر العالمی الامام الرضاﷺ.
- هاشمی، سید هاشم (۱۳۹٦). صورت‌بندی سریال معمای شاه در تعامل سه‌گانه هستی‌شناسی، تاریخ، رسانه. ***معرفت فرهنگی اجتماعی***. ۷ (۱). ۱۱٦ ـ ۹۹.
- URL 1: http://sourehcinema.ir/?p=32722
- URL 2: https://khorasan.iqna.ir/fa/news/3018881
- URL 3: https://rasekhoon.net/news/show/1024447
- URL 4: https://mehrnews.com/news/2314027
- URL 5: https: /akharinkhabar.ir/story/4722282